



پرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقالات



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک اسرائیل

ناصر پورحسن^۱

چکیده:

فرهنگ استراتژیک، رویکرد جدیدی در مطالعات امنیتی و سیاست خارجی است که تأثیر عوامل فرهنگی بر رفتار استراتژیک کشورها را بررسی می‌کند. رفتار استراتژیک گونه‌ای از رفتار است که به مسائل اساسی امنیت ملی و کاربرد زور در مقابل دیگر کشورها مرتبط می‌شود. اسرائیل از جمله بازیگرانی است که بیش از هر کشور دیگری بر موضوع امنیت ملی تأکید می‌ورزد. فرهنگ استراتژیک رویکرد مناسبی است که مؤلفه‌های مختلف فرهنگی از جمله تأثیر تجربیات تاریخی بر رفتار استراتژیک اسرائیل را تبیین می‌کند. این نوشتار پس از یک مدخل نظری، مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک اسرائیل را بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: واقع‌گرایی، سازه‌انگاری، فرهنگ، عمق استراتژیک، رفتار استراتژیک، جنگ اجتناب‌ناپذیر.

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس و کارشناس ارشد مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی‌ندا

به دنبال ناکامی نظریات روابط بین‌الملل در توصیف، تبیین و تحلیل رفتار خارجی دولتها، تلاش‌های نظری زیادی برای بررسی این نوع رفتار آغاز شد. مفروض نظریات واقع‌گرایی کلاسیک و ساختاری که مدتها پارادایم حاکم بر مطالعات روابط بین‌الملل بودند، این بود که دولت را یک بازیگر بسیط و خردمند می‌دانستند. بدین معنا که معتقد بودند دولتها در مورد هر مسئله خاص در یک زمان معین، از سیاست واحدی پیروی می‌کنند. بدین ترتیب، واقع‌گرایان دولت را در مقام واحد اصلی تحلیل در روابط بین‌الملل، همچون یک جعبه سیاه می‌دانستند، در نتیجه از نظر آنان «رفتار دولت» و نه «خود آن» متغیر وابسته‌ای است که نظریه روابط بین‌الملل باید به تبیین آن بپردازد.^(۱)

گراهام آلسین درباره نظریه بازی‌ها که محور واقع‌گرایی محسوب می‌شود، می‌گوید: بهترین انتخاب هر ملت، به انتظارش از رفتار ملت‌های دیگر بستگی دارد. وی می‌افزاید: رفتار استراتژیک از طریق برداشت‌های یک بازیگر (دولت) در مورد چگونگی ارتباط رفتار وی با رفتار رقیب، بر انتخاب راه تأثیر می‌گذارد.^(۲)

اما در صحنه بین‌المللی مشاهده می‌شود که دولت‌ها در برابر یک سیاست مشخص، رفتارهای مشابهی را از خود بروز نمی‌دهند. به همین علت مطالعات به درون دولت‌ها و مؤلفه‌های گوناگون رفتارهای آنان سوق یافته است. فرهنگ استراتژیک از جمله این رویکردهاست که تأثیر عوامل فرهنگی بر رفتار استراتژیک کشورها را مورد توجه قرار می‌دهد؛ رفتارهایی که به امنیت ملی و چگونگی استفاده از زور مرتبط می‌شوند. داریل هولت^۱ معتقد است: فرهنگ استراتژیک به علت آنکه رویکردهای متفاوت به استفاده از زور، «راههای جنگ»^۲ و چگونگی عملکرد یک بازیگر در هنگام مواجهه با بحران را شامل می‌شود، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.^(۳)

اسرائیل از جمله بازیگرانی است که در جنگ متولد شده و امنیت ملی مهمترین اولویت آن طی ۶ دهه گذشته بوده است. ریشه برخی تصمیم‌ها درباره امنیت این بازیگر به سالها قبل از تشکیل این دولت باز می‌گردد. بنابراین هم مؤلفه‌های دینی، فرهنگی و تجربه قبل از پیدایش و هم تجربیات پس از تشکیل دولت اسرائیل در تصمیم‌های مربوط به رفتار استراتژیک آن کشور دخیل است.

1- Darryl Howlett

2- Ways of war

با توجه به اهمیت موضوع مذکور، نوشتار حاضر به دنبال آن است که پس از تعریف فرهنگ استراتژیک، مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک اسرائیل را استخراج کند.

الف) فرهنگ استراتژیک چیست؟

فرهنگ استراتژیک در واقع رویکردی منبعث از سنت فکری سازه‌انگاری است. جان راگی از نظریه‌پردازان عمده مکتب سازه‌انگاری می‌گوید: سازه‌انگاری سیاست بین‌الملل را مبتنی بر هستی‌شناسی رابطه‌ای می‌داند و به عوامل فکری مانند فرهنگ‌ها، هنجارها و ایده‌ها بها می‌دهد. کانون توجه سازه‌انگاری آگاهی بشری و نقشی است که این آگاهی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند. (۳) الکساندر ونت نیز می‌گوید: رفتار دولت‌ها برآیندی از منافع آنهاست و منافع برآمده از هنجارهاست، لذا هنجارها مقدم بر رفتارها بوده و تحدیدکننده آنها به شمار می‌آیند. (۵)

باید یادآوری کرد که رابطه بین فرهنگ و امنیت به معنای عام آن ریشه در گذشته‌های بسیار دور دارد و این رابطه را می‌توان در متون کلاسیک و آثار افرادی چون توسیدید، سون تزو و کلاوزویتز مشاهده کرد. آنها این رابطه را تحت عنوان استراتژی بررسی کرده بودند. کلاوزویتز استراتژی را «آزمون نیروهای فیزیکی و معنوی» تعریف کرده و هدف جنگ را پیش از آنکه شکست دشمن در جبهه نبرد بداند، نابودی روحیه دشمن می‌دانست. (۶) در اواسط قرن بیستم نیز موضوع تأثیر فرهنگ بر رفتار سیاسی تحت عناوینی چون منش ملی^۱ توسط افرادی مانند استانی هافمن بررسی شد. هافمن در این رابطه، عبارت بسیار مشهوری دارد: خلق و خوی ملی آمریکایی‌ها چنان است که گویی آنها روی جزیره‌ای ثابت نشست‌اند و عده‌ای در اطراف آنها در حال غرق شدن بسر می‌برند و وظیفه انسانی آنها حکم می‌کند که دخالت کرده و دست غریق را بگیرند، در حالی که ممکن است غریق چنین چیزی از آنها نخواهد. (۷)

در دهه ۱۹۶۰ نیز گابریل آلموند و سیدنی وربا در حوزه محدودتری، یعنی فرهنگ سیاسی، رابطه میان ایستارها، ارزشها و اعتقادات مردم یک جامعه با نظام سیاسی آنها را نشان دادند.

جک اسنایدر^۲ نخستین فردی بود که در مطالعات مدرن امنیتی از مفهوم فرهنگ استراتژیک استفاده کرد.

1- National Character

2- Jack Snyder

در شرایطی که تحلیل‌گران آمریکایی انتظار داشتند، براساس تئوری بازیها و بازیگر خردمند، شوروی رفتاری مشابه آمریکا و قابل پیش‌بینی داشته باشد، سیاستگذاران شوروی به گونه دیگری رفتار کردند. اسنادی به این نتیجه رسید که هر کشوری از شیوه‌ای خاص برای تفسیر، تحلیل و واکنش به رخدادهای بین‌المللی استفاده می‌کند که مبتنی بر فرهنگ و تجربیات تاریخی آن کشور است. بنابراین برخلاف نظریه بازی‌ها که محور آن «انتخاب بهترین راه‌حل براساس رفتار دیگران» است، در فرهنگ استراتژیک، رفتار یک دولت بطور کامل در واکنش به عملکرد دیگران صورت نمی‌پذیرد بلکه مبتنی بر فرهنگ خاص آن کشور است. به گفته ایان جانستون^۱، نگاه شوروی به قدرت نظامی‌اش، ریشه در تاریخ اقتدارگرایی داخلی و توسعه‌طلبی خارجی آن داشت در حالی که رفتار آمریکا مبتنی بر اخلاق‌گرایی سالهای اولیه پیدایش این کشور بود.^(۸)

با توجه به گستردگی مؤلفه‌های فرهنگی و نیز تأثیرگذاری متفاوت آنها بر رفتار استراتژیک کشورها، تاکنون تعریفی - از فرهنگ استراتژیک که مورد اجماع و پذیرش همگان قرار گیرد- انجام نشده است. به همین دلیل جفری لانتیس^۲ این را یک نقطه ضعف اساسی برای فرهنگ استراتژیک می‌داند.^(۹) مهمترین تعاریفی که توسط نظریه‌پردازان در این رابطه انجام شده، مؤید نظر مذکور است.

جک اسنایدر، فرهنگ استراتژیک را مجموعه آرمانها، پاسخ‌های عاطفی مشروط و الگوهای رفتاری می‌داند که اعضای جامعه استراتژیک ملی از طریق آموزش و تقلید به دست آورده و با یکدیگر مبادله می‌کنند.^(۱۰)

توماس برگر^۳ فرهنگ استراتژیک را مجموعه‌ای از ارزشها و عقاید فرهنگی می‌داند که دیدگاه اعضای یک جامعه در مورد امنیت ملی، نظامیان به عنوان یک نهاد و استفاده از زور در روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^(۱۱)

از نظر چارلز کویچان^۴، فرهنگ استراتژیک شامل تصورات و سمبل‌هایی است که چگونگی تعریف یک ملت از رفاه و درک آنان از امنیت را ترسیم می‌کنند.^(۱۲) ایان جانستون فرهنگ استراتژیک را محیط فرهنگی و اندیشه‌ای می‌داند که بر انتخاب‌های رفتاری تأثیر می‌گذارد. این محیط مرکب از فرضیات و

- 1- Alastair Iain Johnston
- 2- Jeffery Lantiss
- 3-Thomas Berger
- 4- Charles Kupchan

قواعد مشترک تصمیم‌گیری است که درجه‌ای از نظم و برداشت‌ها یا ادراکات گروهی و فردی آنها در خصوص روابطشان با محیط سیاسی، سازمانی یا اجتماعی را تحلیل می‌کند. در تعریف وی، فرهنگ استراتژیک عبارت است از مجموعه‌ای همگرا از نمادها (یعنی ساختارهای استدلالی، زبانها، قیاس، اشعار و...) که موجب شکل‌گیری ترجیحات استراتژیک کلان و فراگیر می‌شود. (۱۳)

کن بوث^۱ نیز معتقد است فرهنگ استراتژیک به سنن، ارزشها، امتیازها و الگوهای رفتاری، عادات، سمبل‌ها، دستاوردها، شیوه‌های خاص انطباق با محیط و حل مسائل و تهدیدات با استفاده از زور اشاره دارد. (۱۴)

اگرچه در تعاریف مذکور تفاوت‌های آشکاری ملاحظه می‌شوند، اما وجه اشتراک آنها تأثیرگذاری فرهنگ بر سیاستگذاری خارجی و امنیتی کشورهاست. شاید بتوان تعریف گریگوری گیلز^۲ در مورد فرهنگ استراتژیک - که تعریف مورد پذیرش این نوشتار نیز است - را جامع‌ترین تعریف دانست. وی فرهنگ استراتژیک را مشتمل بر باورهای مشترک، فرضیات و الگوهای رفتاری ناشی از تجربیات مشترک و روایت‌های (شفاهی و مکتوب) مورد پذیرش می‌داند که هویت جمعی و روابط با دیگر گروهها را شکل داده و ابزارهای مناسب برای رسیدن به اهداف امنیتی را تعیین می‌کنند. (۱۵)

به طور کلی طی ۳ دهه اخیر گفتمانها و رویکردهای متفاوتی در مورد فرهنگ استراتژیک به وجود آمده‌اند که بررسی آنها از حوصله این نوشتار خارج است. (۱۶)

رویکرد فرهنگ استراتژیک با انتقاداتی از سوی نظریه‌پردازان سایر رویکردها و نظریه‌های روابط بین‌الملل مواجه شده است. برای مثال واقع‌گرایان معتقدند که فرهنگ استراتژیک حداکثر می‌تواند مکمل نظریه واقع‌گرایی باشد و هرگز نمی‌تواند جایگزین آن شود، بنابراین یک رویکرد مستقل برای تبیین مسائل امنیتی محسوب نخواهد شد. واقع‌گرایان، تعدد متغیرهای فرهنگی را نخستین چالش رویکرد فرهنگ استراتژیک می‌دانند. رونالد روگوفسکی^۳ در این رابطه معتقد است: تعاریف مبهم از فرهنگ و فقدان متغیرهای مشخص، تدوین یک نظریه آزمون پذیر را برای فرهنگ استراتژیک دشوار کرده است. (۱۷) عدم تعمیم، دومین ایراد فرهنگ استراتژیک اعلام شده است، زیرا به جای توجه به عوامل مشترک در موارد

1- Ken Booth

2- Gregory Giles

3-Ronald Rogowski

مختلف، بر مشخصات و ویژگی‌های یک مورد خاص تأکید می‌کند. اگر از مفاهیم مورد نظر برایان فی برای تشریح این انتقاد استفاده کنیم، فرهنگ استراتژیک نوعی پرسپکتیویسم و تاریخت‌باوری است. (۱۸) بنابراین، نمی‌توان از این منظر به الگوهای عام - که در سایر رویکردهای روابط بین‌الملل مانند واقع‌گرایی یا لیبرالیسم مطرح شده‌اند - دست یافت. به اعتقاد منتقدین، با توجه به اینکه در مطالعات امنیتی، پیش‌بینی از الگوهای عام بدست می‌آید، پس فرهنگ استراتژیک در حوزه رفتار استراتژیک چندان کارآمد نیست.

در پاسخ به این انتقادات می‌توان گفت که فرهنگ استراتژیک یک رویکرد تقلیل‌گرا نیست و با روش‌های مناسب تحقیق از جمله مدل روش توافق و اختلاف می‌توان موارد تشابه و افتراق فرهنگ استراتژیک را بررسی کرد (۱۹) و در این زمینه پژوهش‌های مهمی نیز انجام شده‌اند. (۲۰)

نظریه پردازان، مؤلفه‌های گوناگونی برای فرهنگ استراتژیک استخراج کرده‌اند. دیوید جونز^۱ این مؤلفه‌ها را در ۳ سطح بررسی می‌کند:

- سطح کلان - محیطی؛ شامل جغرافیا، ویژگی‌های قومی - فرهنگی و تاریخی.

- سطح اجتماعی؛ شامل ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه.

- سطح فردی؛ شامل نهادهای نظامی و ویژگی‌های روابط نظامیان و غیرنظامیان.

کارنس لرد^۲ نیز فرهنگ استراتژیک را بر آیندی از ۶ مؤلفه؛ موقعیت جغرافیایی، تاریخ نظامی، روابط

بین‌الملل، ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی، ماهیت روابط نظامی - سیاسی و فناوری نظامی می‌داند (۲۱)

این نوشتار با مؤلفه‌های مورد نظر جونز و لرد به علاوه مؤلفه‌های دیگری، فرهنگ استراتژیک اسرائیل

را بررسی می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ب) مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک اسرائیل

فرهنگ استراتژیک اسرائیل از لایه‌های متعددی شکل گرفته که از یکسو ریشه در تجربه تاریخی

یهودیان در طول بیش از ۲ هزار سال پیش دارد و از سوی دیگر از تجربه شکل‌گیری دولت اسرائیل از سال

۱۹۴۸ ریشه می‌گیرد. بنابراین رفتارهای استراتژیک دولت اسرائیل ناشی از تأثیرات دین، تجربیات تاریخی،

ارزشها، و ایستارها در دوره‌های مذکور به صورت جداگانه و یا ترکیبی است. مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک

را می‌توان به شرح زیر بررسی کرد:

1- David Jones

2- Carens Lord

۱) قوم برگزیده

اعتقاد به برگزیدگی قوم یهود به یکی از مؤلفه‌های مهم در فرهنگ استراتژیک دولت اسرائیل تبدیل شده به گونه‌ای که خود را یک دولت مستثنی و برگزیده می‌داند. عبدالوهاب المسیری در این باره می‌نویسد: اعتقاد یهود به اینکه آنها قومی برگزیده‌اند، مقوله‌ای بنیادین در نظام مذهبی یهود و گویای لایه حلولی در ساختار و ترکیب چند لایه یهودیت است. مثلث حلولی شامل: خدا، زمین و قوم می‌شود. خداوند در زمین حلول کرد تا زمین مقدس گردد و مرکز هستی شود و در قوم یهود حلول کرد تا قوم برگزیده و مقدس و ازلی گردد (که این ویژگی‌ها جزء صفات خداوند است). در سفر تثنیه (۲/۱۴) در این باره چنین آمده است: شما منحصرأ به خداوند، خدایتان تعلق دارید و او شما را از میان قوم‌های روی زمین برگزیده است تا قوم خاص او باشید... در تلمود نیز آمده است که قوم اسرائیل به دانه زیتون تشبیه شده زیرا زیتون نمی‌تواند با مواد دیگر بیامیزد و به همین سبب اختلاط و در آمیختگی یهودی با دیگر اقوام ناممکن است.

یهودیان حتی برگزیدگی خود را یک تکلیف شرعی و مذهبی می‌دانند و معتقدند خداوند قوم یهود را برگزیده تا در میان اقوام، خادم پروردگار خویش باشند و جهان را به وسیله آنان اصلاح کند. در عاموس ۲/۳ آمده است: از میان تمام اقوام روی زمین، من تنها شما را انتخاب کرده‌ام، به همین دلیل وقتی گناه می‌کنید، شما را تنبیه می‌کنم.

به نظر المسیری اسطوره قوم برگزیده از گرایش ماشیحانی در آئین یهودی نیز قوت گرفته زیرا از نظر کاهنان و قدیسان، هر فردی تجسم زنده‌ای از خداوند است.

براساس مثلث حلول گرای، ارض اسرائیل، زمین خداوند خوانده می‌شود (یوشع ۳/۹) و خداوند از این زمین حمایت می‌کند (تثنیه ۱۲/۱۱) فلسطین همان زمین برگزیده خداوند است و همچنین صهیون که محل سکونت خداوند و سرزمین مقدس است (زکریا ۱۲/۲) به سبب ارتباطش با قوم برگزیده در قداست از هر سرزمینی برتر است. (۲۲)

دیویدبن گوریون با استناد به تلمود می‌گوید: اقامت در این سرزمین به منزله ایمان است، زیرا کسی را که در سرزمین اسرائیل زندگی می‌کند، می‌توان مؤمن شمرد و آن کسی که بیرون این سرزمین زندگی می‌کند، انسانی است که هیچ خدایی ندارد. (۲۳)

یهودیان معتقدند که پاکي نژاد آنها در گذر تاریخ حفظ شده زیرا امتی از یک خون خالص هستند و مشکلات افراطی‌گری یا انحراف اخلاقی در آنها راه ندارد. (۲۴) به علاوه مدعی هستند با وجود انواع

گونگون سختی و عذابی که به این قوم برگزیده وارد می‌گردد، هرگز تمام این قوم نابود نخواهد شد، زیرا همواره گروهی برگزیده باقی خواهند ماند.

اعتقاد به چنین عقیده‌ای در رفتار استراتژیک اسرائیل با دیگر کشورها جاری و ساری است و موجب شده که دولت اسرائیل حتی در مبادله اسرا با کشورهای عربی، اجساد دو یهودی را با دهها عرب و حتی صدها جسد مبادله کند.

۲) ناامنی دائمی

دومین مؤلفه فرهنگ استراتژیک اسرائیل، ناامنی است که قوم برگزیده یهودی در طول تاریخ با آن مواجه بوده است. تاریخ این ناامنی به پیدایش دولت اسرائیل در قبل از میلاد بازمی‌گردد. در آن مقطع قومی به نام اسرائیل یا عبرانی شکل گرفت و سرزمین بنی‌اسرائیل به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد: اسرائیل در شمال و یهودا در جنوب. بخش شمال به اشغال آشوریان درآمد و دو سبط بنی‌اسرائیل که در آن ساکن بودند، به اسارت رفته و اقوام دیگر پراکنده شدند. در این میان تنها کشور یهودا باقی ماند که فقط دو سبط بنیامین و یهودا را در خود جای داد. این دو سبط نیز به اسارت بابلی‌ها درآمدند. (۲۵)

با پراکنده شدن یهودیان، آنها به علت اعتقاداتی از جمله برتری خود بر دیگران، در ناامنی به سر بردند. ماجرای به صلیب کشیده شدن حضرت مسیح و متهم شدن یهودیان در این رابطه نیز مزید بر علت شد و به همین دلیل مسیحیان دشمنان درجه یک یهودیان بودند. تاریخ این دو دین مملو از مواردی است که یهودیان آنرا مصادیق آنتی‌سمیتیسم می‌دانند. با تحولاتی که در روسیه تزاری در قرن ۱۹ رخ دارد و سرانجام با حوادث جنگ جهانی دوم و نیز با حمله اعراب به رژیم تازه متولد شده اسرائیل، این احساس ناامنی نهادینه شد. اسرائیل در طول ۶ دهه حیات خود یا در جنگ با همسایگانش بوده یا در صلح سرد با آنها به سر برده است. اسرائیل در دهه‌های نخست با کشورهای همسایه خود درگیر جنگ بود. اما با شکست اعراب در جنگ‌های چهارگانه و امضای صلح با برخی از آنها، تهدیدات از همسایگان آن به کشورهایی که افرایم اینبار آنها را حلقه دوم می‌نامد، منتقل شد. دستیابی کشورهایی چون عراق به سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های دوربرد موجب تغییر جغرافیایی ناامنی‌های برای دولت اسرائیل شد و نوع واکنش این دولت برای مواجهه با تهدیدات مذکور تغییر یافت. (۲۶)

البته بطور همزمان اسرائیل با تهدیدات جدی در داخل سرزمینهای اشغالی نیز مواجه شده و محیط داخلی آن نیز امنیت سوز شد. انتفاضه فلسطینی‌ها، امنیت صهیونیستها را هدف قرار داد. نظامیان و شهرک‌نشینان نیز مورد هدف گروه‌های فلسطینی قرار گرفتند. در ادبیات سیاسی برای درگیری‌های مذکور، از اصطلاحاتی مانند جنگ کم شدت^۱ یا جنگ کوچک^۲ استفاده می‌شود. (۲۷)

عبدالوهاب المسیری از اصطلاح نگرانی امنیتی و ذهنیت محاصره^۳ برای توصیف وجدان جمعی اسرائیلی‌ها درباره ناامنی مذکور استفاده می‌کند. به زعم وی این توجه بیمارگونه به قضیه امنیت را برخی‌ها ناشی از آن می‌دانند که قتل عامی که مدعی‌اند توسط نازی‌ها صورت گرفته در وجدان یهودی و اسرائیلی تأثیر عمیقی گذاشته به طوری که با وجود از بین رفتن عوامل واقعی، ترس از نابود شدن در وجدان یهودی و اسرائیلی ریشه دوانده است و به چیزی شبیه یک عقده تاریخی و یا عقده روانی جمعی تبدیل شده است. المسیری، می‌افزاید، این در نهایت ثمره ادراک عمیق و واقعی مهاجران صهیونیست از وضعیت واقعی خود است. این مهاجران دریافته‌اند که سرزمینی که در آن به سر می‌برند و ادعا می‌کنند که از هزاران سال پیش، مالک آن بوده‌اند، در واقع سرزمین آنها نیست. (۲۸)

۳) اجتناب‌ناپذیری جنگ

به زعم یهودیان وقتی ملت برگزیده آنها در ناامنی دائمی به سر می‌برد، جنگ برای آنان گریزناپذیر است و ایجاد امنیت به اولویت نخست تبدیل می‌شود و به همین دلیل است که از آن تحت عنوان «مذهب امنیت» یاد می‌شود.

بن گوریون اولین نخست‌وزیر اسرائیل درباره امنیت می‌گوید: در قضیه ما، امنیت نقش مهمی را در مقایسه با دیگر کشورها بازی می‌کند و فقط به ارتش [نیروی نظامی] وابسته نیست... امنیت به مفهوم پر کردن مناطق خالی از سکنه... توزیع جمعیت... ایجاد صنایع در کشور... و توسعه کشاورزی است. امنیت به مفهوم برتری هوایی و دریایی و ایجاد تحول در اسرائیل برای تبدیل این کشور به یک قدرت دریایی است... امنیت مستلزم استقلال اقتصادی است... و به توسعه مهارت‌های علمی و تحقیقاتی نیاز دارد. (۲۹)

1-Low Intensity conflict

2-The Small war

3- Feeling of Insecurity and Siege Mentality

با توجه به اینکه مسئله اسرائیل در جنگ «بودن یا نبودن» است، بنابراین حفظ امنیت به مهمترین رفتار استراتژیک در اسرائیل تبدیل شده است. امنیت به گفته «باری بوزان» هم بعد عینی (حفاظت در مقابل خطرات فیزیکی) است و هم بعد ذهنی (احساس ایمنی). (۳۰)

دین یهودیت پایه بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک است و بنابراین در همه مؤلفه‌های مذکور رگه‌هایی از دین یهودیت دیده می‌شود. بخشی از متون دینی و تفاسیر علمای یهودی مباحث مربوط به جنگ در اسرائیل را تشکیل می‌دهد. در دین یهود انواع خاصی از جنگ از لحاظ اخلاقی توجیه شده است و گاهی از نظر این دین کشته شدن مردم قابل توجیه است. اگرچه در این دین بر صلح (شالوم) تأکید شده اما در تورات و تلمود مباحث زیادی درباره جنگ آمده است. شاید به دلایل مختلف از جمله محیط اجتماعی و اقتصادی قوم یهود بود که در تورات بسیار از جنگ و ضرورت آن سخن رانده شده است و شاید هم به دلیل اینکه یهودیان به برگزیده بودن خود اعتقاد دارند، کلیه جنگهایی را که در جهت منافع یهود انجام می‌دهند، عادلانه ارزیابی می‌کنند.

براساس تلمود، قوانین دین یهود در موارد زیادی حتی ریختن خون یهودیان را نیز جایز شمرده است. برای مثال براساس قاعده «موزر»^۱ هر فرد یهودی که بخواهد سایر یهودیان را تحت سلطه غیریهودیان قرار دهد، به قتل خواهد رسید. براساس قاعده دین رودف^۲ نیز هر کسی که زمین اسرائیل را به دیگران واگذار کند، و نیز حتی کسی که بخواهد یک یهودی را به قتل برساند، کشتن وی واجب است. اگرچه این قواعد در قوانین پایه اسرائیل قید نشده‌اند اما گروههای افراط‌گرای مذهبی در عمل آنها را پیاده می‌کنند. ایگال امیر دانشجوی افراطی یهودی براساس تفسیر بیرل کتسلسون رهبر تندروی صهیونیست‌های افراطی، اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل را در سال ۱۹۹۴ ترور کرد، زیرا وی قصد واگذاری زمین اسرائیل به غیریهودیان را داشت. آوراها شایرو حاخام اعظم سابق سفاردی و رئیس «اتحادیه حاخامها برای سرزمین اسرائیل» در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد که تخلیه شهرک‌های یهودی نشین نوار غزه، مخالف قوانین مذهبی دین یهود است. وی نظامیان اسرائیل را به پیروی از قوانین مذهبی و تمرد از فرماندهان خود در اجرای طرح عقب‌نشینی از شهرک‌ها فرا خواند. (۳۱)

1- Moser

2- Din Rodof

بر اساس اصول مذکور در متون دینی یهودیان درباره جنگ، دو مفهوم جنگ اجتناب‌ناپذیر^۱ و انتخابی^۲ طی دهه‌های اخیر وارد ادبیات سیاسی اسرائیل شده است. در فرهنگ سیاسی اسرائیل گرایش غالب این است که جنگ پدیده‌ای است که به نظام سیاسی آن تحمیل می‌شود و به همین دلیل آنها گزینه‌ای غیر از جنگ ندارند. بر اساس ترمینولوژی مذکور، به استثنای حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، بقیه جنگ‌های اسرائیل جنگ اجتناب‌ناپذیر بوده است. (۳۲)

البته با شیوه‌ای که یهودیان در تصرف سرزمین فلسطین داشته‌اند، جنگ یک امر حتمی و گریزناپذیر است. در این رابطه بن گوریون می‌گوید: اسرائیل نمی‌تواند فلسطین را به مردم آن برگرداند، پس مشکل فلسطین تنها از طریق جنگ حل خواهد شد. این جنگ سرنوشت اسرائیل را تعیین خواهد کرد. بدین معنا که زوال و یا بقای این کشور در گرو جنگ خواهد بود. (۳۳)

مناخیم بگین نیز در این باره می‌گوید: نه برای مردم اسرائیل و نه در سرزمین اسرائیل و نه برای مردم عرب و نه در سرزمین اعراب، هرگز صلحی وجود نخواهد داشت و ما به خاطر آزادی وطنمان، مبارزه را ادامه و تمامی سرزمینمان را از سلطه اعراب نجات خواهیم داد. جنگ میان ما و اعراب ولو اینکه معاهده صلح هم با یکدیگر امضا کنیم، ادامه خواهد یافت. (۳۴)

۴) توسعه طلبی ارضی

از دیگر مؤلفه‌های پایدار فرهنگ استراتژیک اسرائیل، تمایلات توسعه‌طلبانه ارضی است. اگرچه آنها با استناد به وعده از نیل تا فرات، قلمرو اولیه خود را مشخص کرده‌اند اما به سفر یوشع (۳/۱-۴) نیز استناد می‌کند که می‌گوید: به موسی گفتم هر جا قدم بگذارید، آنجا را به تصرف شما در خواهیم آورد. به این تعبیر، اسرائیل کشوری بدون مرز است زیرا مرزهای آن موقتاً تا آخرین پایگاه نظامی است که اشغال می‌کند و در انتظار آن می‌ماند که تا یک پایگاه جدید پیشروی کند. بن گوریون در نامه‌ای از لندن به رئیس حزب مابای در ۱۹۳۸/۱۰/۷ نوشت: با ایجاد یک دولت یهودی در بخشی از سرزمین فلسطین، بدین شرط که این امر به عنوان مقدمه‌ای باشد برای برداشتن گام‌های بعدی، موافقت می‌شود. (۳۵)

1- No Choice war

2- War by Choice

قبض و بسط مرزهای دولت اسرائیل تابعی از قدرت آن و نیز قدرت همسایگانش است. در برخی نقشه‌ها، مرزهای دولت یهودی حتی تا عربستان سعودی امتداد یافته است. یکی از موارد مذاکرات صلح، تعیین مرزهای دائمی اسرائیل است که تاکنون تل‌آویو درباره آن مذاکره جدی انجام نداده است. (۳۶)

۵) اتکاء به خود

با مفروض گرفتن اجتناب‌ناپذیری جنگ، دولت یهودی بیشینه کردن قدرت نظامی و ایجاد توانایی دفاعی - تهاجمی مناسب را به عنوان راه‌حل مطمئن برای افزایش ضریب امنیت ملی خود انتخاب کرده است. (۳۷) اسرائیل برای رسیدن به این هدف از دو استراتژی استفاده کرده که در ظاهر با یکدیگر تناقض دارند اما در عمل یکدیگر را تکمیل می‌کنند. اولین استراتژی، اتکا به خود است.

اسرائیل در طول ۶ دهه گذشته به رغم دریافت کمک‌های نظامی و سیاسی فراوان از کشورهای بزرگ، همواره کوشیده است بر خود متکی باشد. به عبارت بهتر اصل خودیاری^۱ هدف اصلی سیاستگذاران اسرائیل بوده است. مفروض آنها این بوده که میان کشورها، هر چقدر هم که به یکدیگر نزدیک باشند، منافی وجود دارد که متعارض هستند، بنابراین تا حد امکان باید از کشورهای دیگر کمک گرفت، اما تصمیم نهایی را باید خود اسرائیلی‌ها بگیرند.

لوی اشکول نخست‌وزیر اسرائیل پس از جنگ شش روزه در این باره گفت: ما به خاطر دفاع از موجودیت و امنیت خود، به تنهایی جنگیدیم و این حق ماست که منافع و مصالحمان را خود تعیین کنیم و منافع حیاتی‌مان توسط خودمان مشخص شود و سلامت کشور در آینده را خودمان تضمین کنیم. (۳۸)

مناخیم بگین نیز می‌گوید: اسرائیل باید بر روی توان خود بایستند و تنها با قدرت خود است که امنیت آن تضمین می‌شود و نمی‌توان بطور کامل به متحدین اعتماد و تکیه کرد. (۳۹)

اما اسرائیل برای اجرای کامل این اصل با مشکلات بسیار زیادی مواجه است. این کشور از فقدان عمق استراتژیک در برابر رقبای خود به شدت رنج می‌برد. زیرا تنها ۲۰ هزار و ۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد که البته بعدها برای گسترش عمق استراتژیک بلندبهای جولان (۱۱۷۶ کیلومتر مربع) و قدس شرقی (۷۰ کیلومتر مربع) را نیز به خاک خود منظم کرد. هواپیماهای جنگنده دشمنان اسرائیل می‌توانند در ظرف ۴ دقیقه با سرعت زیر صوت بر فراز پهنای این سرزمین پرواز کنند. (۴۰)

در کنار عمق استراتژیک، جمعیت دومین مانع اسرائیل در تحقق استراتژی خوداتکایی است. جمعیت به عنوان یکی از عناصر چهارگانه تشکیل کشور، همواره از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای اسرائیل برخوردار بوده و با توجه به شرایط خاص سیاسی- اجتماعی اسرائیل از زمان شکل‌گیری تاکنون، یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های آن بوده است. اسرائیل که از نظر جغرافیایی در محاصره دشمنانش قرار دارد، دارای جمعیت بسیار معدودی است که قابل مقایسه با رقبای آن نیست. طی ۶ دهه گذشته مسائلی مانند مهاجرت دادن یهودیان از کشورهای مختلف به اسرائیل، حفظ تعادل و یا برتری جمعیتی بر اعراب داخلی سرزمینهای اشغالی، مهاجرت معکوس و... از اهمیت استراتژیک برای اسرائیل برخوردار بوده (۴۱) و بنابراین به یک مؤلفه پایدار در فرهنگ استراتژیک آن تبدیل شده است. کارشناسان و مؤسسه‌های تخصصی زیادی در اسرائیل درباره جمعیت فعالیت می‌کنند. «مؤسسه سیاست‌گذاری برای مردم یهود»^۱ از جمله این نهادهاست که با استخدام صدها کارشناس درباره سیاست‌های جمعیتی فعالیت می‌کند. این مؤسسه در گزارش‌ها و سمینارهای سالانه خود، ابعاد مختلف مسائل جمعیتی یهودیان در داخل و خارج سرزمینهای اشغالی را بررسی می‌کند. در گزارش سال ۲۰۰۷ این مؤسسه آمده است که انتظار می‌رود جمعیت یهودیان از نظر عددی تا سال ۲۰۳۰ نسبتاً ثابت بماند. «مؤسسه مطالعات اسرائیل واقع در اورشلیم» نیز پیش‌بینی کرده تا سال ۲۰۳۵ تعداد شهروندان عرب و یهودی بیت‌المقدس یکسان می‌شوند. هم‌اکنون ۶۰ درصد از جمعیت ۷۲۰ هزار نفری این منطقه یهودی هستند اما این نسبت در سالهای آینده با توجه به کاهش نرخ مولید در میان یهودیان و افزایش نرخ مولید اعراب، به هم خواهد خورد. پیش‌بینی افزایش جمعیت ساکنان نوارغزه و کرانه باختری نیز در دهها گزارش مؤسسه سیاست‌گذاری برای مردم یهود مورد اشاره قرار گرفته است. از دهه ۱۹۸۰ به ابتکار دولت اسرائیل، کنگره جهانی یهود، آژانس یهود و مؤسسه تحقیقات یهودیت معاصر (وابسته به دانشگاه عبری) چندین کنفرانس برگزار شده است. در کنفرانس سال ۱۹۸۷ از یک طرف جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان با استفاده از نتایج تحقیقات خود، تصویری اجمالی از وضعیت جامعه یهودی در دنیا ارائه کردند و از طرف دیگر، رؤسای سازمانهای یهودی و مقامات اسرائیل، به بحث‌های مفصلی در مورد راههای رشد تعمیق آگاهی یهودیان در مورد اهمیت موضوعاتی چون نقش تغییرات جمعیتی بر بقای جامعه یهودیان و تحقق سیاست‌های جمعیتی مورد نظر پرداختند. (۴۲) در کنفرانس مذکور با توجه به عدم تعادل جمعیت یهودیان و اعراب در اسرائیل، سیاست دوگانه‌ای تعیین شد که براساس آن، خانواده‌های

یهودی که فرزندان زیادی داشتند، مشمول امتیازات و اولویت‌های ویژه و تخفیف‌های قابل توجهی در زمینه‌های آموزش، مسکن، مالیات و کمک هزینه و مستمری برای هر فرزند می‌شوند. متقابلاً برنامه‌ریزی برای تنظیم خانواده، کنترل موالید و نتیجتاً کاهش قابل توجه باروری بین عربهای اسرائیلی جزء دستورات دولت قرار گرفت. در این راستا در دهه ۱۹۹۰ پزشکان و مشاوران خانواده و مددکاران اجتماعی زیادی به کار گرفته شدند تا در بین عربهای منطقه الجلیل (مهمترین مرکز جمعیت عربهای اسرائیلی) روشهای مختلف پیشگیری از حاملگی و نیز فواید رفاهی و اجتماعی داشتن فرزندان کمتر در خانه، آموزش و مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته است. در حالیکه سیاست سیستماتیک عقیم‌سازی زنان عرب اجرا می‌شد، مدیر مرکز جمعیتی اسرائیل گفت: تشویق باروری بین یهودیان اسرائیل تنها یک موضوع پزشکی نیست بلکه یک مسئله عقیدتی و سیاسی است و از دیرباز مورد نظر بوده است. (۴۳)

موضوع مهاجرت و مهاجرت معکوس نیز در دستور کار دولت اسرائیل و دهها سازمان یهودی قرار دارد. به استثنای دوره پس از فروپاشی شوروی که بیش از یک میلیون نفر به سرزمینهای اشغالی مهاجرت کردند، در سالهای اخیر آمار مهاجرت بسیار کاهش یافته است و حتی تعداد زیادی از مهاجرین مجدداً سرزمینهای اشغالی را ترک کرده‌اند. براساس آمار وزارت جذب مهاجرین اسرائیل، در سال ۲۰۰۷ تنها ۱۹ هزار و ۷۰۰ یهودی به اسرائیل مهاجرت کردند که پایین‌ترین رقم از سال ۱۹۸۹ محسوب می‌شود. (۴۴)

به همین دلیل سازمانهای یهودی از یکطرف به دنبال هویت‌سازی برای برخی اقلیت‌ها از جمله بنی‌مناشه‌ها در هند و فلاشه‌مورها در آفریقای جنوبی هستند تا آنها را مجبور به مهاجرت کنند و از طرف دیگر از هر بحرانی مانند جنگ و مشکلات اقتصادی برای مهاجرت دادن یهودیان استفاده می‌کنند. علاوه بر این به کشورهایمانند آلمان که بیشترین تعداد مهاجرین یهودی را طی سالهای اخیر جذب کرده، فشار وارد می‌کنند تا قانون جذب مهاجرین خود را سخت‌تر کنند تا یهودیان به سرزمینهای اشغالی مهاجرت کنند. با این اوصاف اسرائیلی‌ها با یک پارادوکس در زمینه مهاجرت یهودیان مواجه هستند. از یکطرف تلاش می‌کنند تا یهودیان را به سرزمینهای اشغالی مهاجرت دهند اما از طرف دیگر به وجود لابی‌های قدرتمند یهودی در کشورهای مختلف از جمله اروپا و آمریکا نیازمندند. به هر حال برای اسرائیل که در سال ۲۰۰۷ تنها ۷ میلیون و ۲۸۲ هزار نفر (البته با احتساب اعراب فلسطینی ساکن سرزمینهای اشغالی ۱۹۴۸) جمعیت داشت، (۴۵) موضوع جمعیت از جمله مسائل مهم و استراتژیک است.

۵) حمله پیشگیرانه

اسرائیل همواره تلاش کرده تا با انجام عملیات پیشگیرانه و پیش‌دستانه قدرت ابتکار عمل را از مخالفان خود بگیرد. این استراتژی هم از نداشتن عمق استراتژیک اسرائیل ناشی می‌شود و هم ناشی از برداشت از این بخش از تلمود است که می‌گوید: اگر کسی آمد تا تو را بکشد، تو باید زودتر وی را بکشی. یکی از مکانیزمهای حفظ برتری نظامی، توسل به عملیات پیشگیرانه و پیش‌دستانه است. عدم عمق استراتژیک اسرائیل موجب شد که این مسئله از زمان تشکیل اسرائیل به بخشی از دکترین امنیت ملی آن تبدیل شود. مأموران موساد برای حفظ برتری نظامی اسرائیل تلاش کرده‌اند که بسیاری از تلاشهای کشورهای دشمن برای دستیابی به تکنولوژی برتر را در نطفه خفه کنند. برای مثال وقتی دانشمندان آلمانی در فاصله سالهای ۶۴-۱۹۶۰ برای ساخت موشک‌های دوربرد به مصر کمک کردند، با تهدید موساد، آنها به همکاری خود پایان دادند. قبل از حمله ۷ ژوئن ۱۹۸۱ به اوزیراک عراق نیز مأموران موساد محموله هسته‌ای ارسالی به عراق از فرانسه را تخریب کردند اما بطور کامل موفق نشدند. (۴۶) پس از حمله به اوزیراک براساس آنچه که به دکترین بگین مشهور شد، تحت هیچ شرایطی اجازه ساخت سلاح‌های کشتار جمعی به کشورهای دشمن داده نمی‌شد. همانطور که ذکر شد سیاست حمله پیشگیرانه و پیش‌دستانه صرفاً شامل حملات نظامی نمی‌شود بلکه دامنه آن طیف وسیعی از تهدید تا خرابکاری را شامل می‌شود.

آریل شارون نخست‌وزیر اسبق اسرائیل در این رابطه گفت: سومین عنصر سیاست دفاعی ما در دهه ۱۹۸۰ تصمیم برای بازداشتن دولت‌های رقیب از دسترسی به سلاح هسته‌ای است. برای ما توازن ترور و وحشت نیست بلکه مسئله ما، بقا است. بنابراین ما این نوع از تهدیدات را از بین می‌بریم. (۴۷)

اسرائیل از یکطرف با خرابکاری و نیز حملات پیشگیرانه به کشورهای همسایه و منطقه‌ای مانع دستیابی آنها به تسلیحات متعارف و غیرمتعارف شده و از سوی دیگر برای حفظ هژمونی خود به سوی ساخت سلاح‌های غیرمتعارف رفته است.

بن‌گورین خطاب به دانشمندان یهودی آلمانی در نخستین سالهای تشکیل اسرائیل گفت: از شما می‌خواهیم تا از هم‌اکنون در خصوص تحقیقات و پژوهشهای هسته‌ای تلاش کنید و کلیه اقداماتی را که برای مجهز ساختن اسرائیل به سلاح هسته‌ای لازم است، انجام دهید. (۴۸) این در حالی است که

1- The Begin Doctrine

لوی اشکول نخست‌وزیر اسرائیل در سال ۱۹۶۹ و افرایم کاتسیر رئیس‌جمهور اسرائیل در سال ۱۹۷۴ اعلام کردند که اسرائیل نخستین کشور در خاورمیانه خواهد بود که سلاح هسته‌ای تولید کند. (۴۹) این اظهارات مبین سیاست ابهام هسته‌ای اسرائیل است که سالها اجرا شده است.

۶) یافتن هم پیمانان بین‌المللی

روابط بسیار نزدیک آمریکا و اسرائیل این شائبه را ایجاد کرده که با توجه به حمایت کامل آمریکا، اصل اتکای به خود برای اسرائیلی‌ها ضرورتی ندارد. چنین دیدگاهی مبتنی بر این فرض است که منافع آمریکا و اسرائیل بطور کامل بر یکدیگر منطبق است. اما وقایع تاریخی و اسناد، تعارض‌های جدی در برخی منافع دو کشور را از همان ابتدا نشان می‌دهد. بسیاری از مقامات سیاسی و نظامی آمریکا از جمله جرج مارشال^۱ و وزیر امور خارجه اسبق آمریکا از جمله افرادی بودند که مخالف به رسمیت شناخته شدن اسرائیل توسط آمریکا بودند. زیرا به زعم آنان تشکیل چنین دولتی موقعیت آمریکا را در خاورمیانه به خطر خواهد می‌انداخت. حمایت شوری از اسرائیل در دوره جنگ سرد و موضوع سوسیالیسم در اسرائیل باعث شد که برخی از آمریکایی‌ها، اسرائیل را از جمله نیروهای ضدامپریالیستی معرفی کنند. علاوه به این، مخالفت آمریکا با اسرائیل در جنگ ۱۹۵۶ نیز از جمله مصادیق مهم تعارض منافع این دو کشور محسوب می‌شود. (۵۰)

بررسی روابط نظامی آمریکا و اسرائیل نشان می‌دهد که مقامات آمریکا بارها با فروش تجهیزات پیشرفته نظامی به اسرائیل مخالفت کرده‌اند. (۵۱) اسرائیلی‌ها به رغم برخورداری از کمک‌های نظامی آمریکا به دنبال آن بوده‌اند که وابستگی نظامی خود را به آمریکا قطع کنند و آمریکا متقابلاً این وابستگی را ابزاری برای مهار توسعه‌طلبی تمام‌عیار اسرائیل علیه کشورهای عربی متحد و اشنگتن در منطقه خاورمیانه می‌داند. اسرائیل همچنین به کشورهای اروپایی اعتماد کامل نداشته است. اسرائیلی‌ها وقتی در سال ۱۹۶۷ با تحریم فرانسه روبرو شدند، هوایمی کفیر^۲ را برای جایگزینی جنگنده‌های فرانسوی ساختند. آنها در سال ۱۹۶۹ نیز به جای تانک‌های چیفتن^۳ انگلیسی، ساخت مرکاوا را آغاز کردند. (۵۲)

1-George C.Marshall

2- Kfir

3- Chieften

بنابراین به رغم اجرای اصل اتکای به خود، اسرائیل همواره تلاش کرده که تا حمایت قدرتهای بزرگ را کسب کند. البته سابقه چنین سیاستی به برگزاری نخستین گنگره صهیونیست‌ها در سال ۱۸۹۷ باز می‌گردد. هر متصل در آن مقطع کوشیده تا حمایت سلطان عثمانی برای ایجاد دولت یهودی را کسب کند. وی پس از آن با کشورهای انگلیس، فرانسه، ایتالیا، آلمان و روسیه رایزنی کرد. (۵۳)

تأکید می‌شود که این نوع همکاری صرفاً با ابتکار طرف اسرائیلی انجام نشده بلکه قدرتهای بزرگ نیز در کمک به اسرائیل، اهداف زیادی داشته‌اند به همین دلیل است که این همکاری‌ها تقویت شده است. پس از پایان جنگ ۱۹۷۳ همکاری اسرائیل و آمریکا به شدت تقویت شد. در این رابطه واشنگتن علاوه بر کمک‌های نظامی سالانه، اسرائیل را به تجهیزات پیشرفته خود مجهز کرده تا هژمونی آن بر منطقه حفظ شود. بدون شک اگر حمایت‌های سیاسی آمریکا بویژه در سازمان ملل و نیز سایر نهادهای بین‌المللی نبود، دولت اسرائیل توان ادامه حیات نداشت.

با دستیابی برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه به سلاح‌های کشتار جمعی، اسرائیل به این نتیجه رسید که نمی‌تواند به تنهایی با این تهدیدات مقابله کند به همین دلیل تلاش کرد که خود را در برنامه امنیتی آمریکا و نظام بین‌الملل قرار دهد.

پس از پایان دوره جنگ سرد این جهت‌گیری آغاز و با حادثه ۱۱ سپتامبر جنبه عملیاتی به خود گرفت. مقامات و تحلیل‌گران اسرائیلی پس از عملیات فلسطینی‌ها در بیت‌المقدس اعلام کردند که حمله به برجهای سازمان تجارت جهانی در نیویورک، انفجار در ایستگاههای قطار لندن، و مادرید، انفجار در بالای اندونزی و... و بیت‌المقدس در یک راستا هستند. (۵۴) به عبارتی اسرائیل جهان را به دو قطب قربانی و حامی تروریسم تقسیم کرد و خود را در دستور کار جهانی مبارزه با تروریسم قرار داد. در این رابطه مایکل چرتوف^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان «نبرد برای آینده مشترک» با نقب به گذشته و استناد به جمله معروف وینستون چرچیل که در سال ۱۹۴۹ جهان را از نظر ایدئولوژیکی تقسیم کرد، سرنوشت اسرائیل و کشورهای مورد حمله تروریست‌ها را یکی برشمرد. تلاش برای تعریف امنیت اسرائیل در قالب امنیت جمعی از مهمترین، تحولات اساسی در مباحث امنیتی اسرائیل در سالهای اخیر محسوب می‌شود. (۵۵)

تصویب قطعنامه‌های سازمان ملل درباره انکار هولوکاست در چنین فضایی امکانپذیر شد. اسرائیل تلاش می‌کند تا نوعی فرهنگ استراتژیک جهانی ایجاد شود که ارزشها و سمبل‌های مورد پسند خود در آن مورد پذیرش قرار گیرد. البته تلاش می‌شود دستیابی به چنین هدفی در سایه تلاشهای آمریکا برای هنجارسازی در عرصه بین‌المللی انجام شود.

۷) روابط نظامیان و غیرنظامیان

یکی از مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک در سطح خرد، روابط میان نظامیان و غیرنظامیان^۱ است. عدم عمق استراتژیک، جمعیت کم و تهدیدات دائمی باعث شده که طی ۶ دهه گذشته روابط ویژه‌ای میان نظامیان و غیرنظامیان اسرائیلی حاکم شود. در حالی که جامعه شناسان سیاسی یکی از ویژگی‌های دولت مدرن را جدا شدن امور لشکری از کشوری می‌دانند، این فرایند در اسرائیل به گونه دیگری بوده است. معمولاً از اصطلاح «ملت مسلح»^۲ برای تبیین روابط نظامیان و غیرنظامیان در اسرائیل استفاده می‌شود. براین اساس، غیرنظامیان هر زمان که ضروری باشد، از وطن دفاع کنند، در نقش یک سرباز انجام وظیفه و پس از گذراندن مرحله خطر، لباس نظامی خود را در می‌آورند. (۵۶) در اسرائیل علاوه بر مردان، زنان نیز باید دوره خدمت سربازی (۱۸ تا ۲۱ سالگی) را طی کنند و زنان و مردان پس از سپری کردن دوره ضرورت تا سن ۵۴ سالگی در دوره احتیاط^۳ به سر می‌برند. نیروهای احتیاط بین ۳۶ تا ۴۲ روز در سال به خدمت فراخوانده می‌شوند. آنها تا سن ۳۵ سالگی در بخش رزمی نیروهای احتیاط و پس از آن در بخش لجستیک خدمت خواهند کرد. (۵۷) کسانی که این مراحل را طی نکنند (به استثنای برخی افراد) از نظر اجتماعی جز شهروند اسرائیل محسوب نمی‌شود و نمی‌توانند از خدمات دولتی و رفاهی برخوردار شوند. به عبارت دیگر در اسرائیل شهروندی از طریق یک فعالیت غیرشهروندی یعنی فعالیت نظامی حاصل می‌شود. (۵۸)

نظام آموزشی نقش مهمی در انتقال فرهنگ نظامی‌گری و توسل به جنگ در افکار مردم اسرائیل دارد. با توجه به اینکه ساکنان سرزمینهای اشغالی افرادی هستند که از نقاط مختلف دنیا مهاجرت کرده‌اند، نظام آموزشی با القای نابودی برای این مهاجران، جنگ را تنها انتخاب پیش روی آنان معرفی می‌کند.

1-Civil-military relations

1- Nation-in - arm

2- The Army reserves

جاکوب کلاچمن صهیونیست معروف در این رابطه می‌گوید: تانک‌های پیشرفته از عوامل امنیت و آرامش در کوتاه مدت هستند، مدرسه و دانشگاه عواملی پراهمیت می‌باشند که دارای اثرات درازمدت هستند، اگر سطح علمی و آموزشی با رکود مواجه شود و دشمنان رشد علمی بیشتری نمایند، باید بدانیم زمان استقلال اسرائیل کوتاه خواهد بود. آموزش و پرورش از ملزومات دفاع ملی است. رویکرد اساسی در نظام آموزش اسرائیل تربیت و رشد روح نظامی‌گری و پیوستن داوطلبانه افراد به ارتش است. برای همین است که یک کودک اسرائیلی به گونه‌ای تربیت می‌شود که در آینده یک جنگجو باشد.

بطور کلی تمایل به جنگ در متون درسی طی سالهای متمادی، افکار عمومی اسرائیل را به این جهت هدایت کرده که راهی جز جنگ وجود ندارد و جنگ تنها راه مشروع حیات آنهاست. (۵۹)

نتیجه‌گیری

فرهنگ استراتژیک اسرائیل ترکیبی است از تجربیات یهودیان در دو مقطع قبل و پس از تشکیل دولت یهودی در سال ۱۹۴۸ و نیز برداشت‌های آنان از متون دینی، ایستارها نگرشها و... طبیعی است. این فرهنگ ایستا نبوده و در طول سالیان مختلف بر اثر تغییرات محیط استراتژیک و نیز برخی تغییرهای اجتماعی در داخل سرزمینهای اشغالی متحول شده است. برای نمونه دستیابی برخی کشورهای منطقه به تکنولوژی سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های دوربرد و حتی انتفاضه فلسطینی‌ها، بسیاری از رفتارهای استراتژیک اسرائیل را تغییر داد.

یکی از عوامل مهم تغییر در فرهنگ استراتژیک، موضوعی است که از آن تحت عنوان «اسطوره‌سازان استراتژیک» یاد می‌کنند. (۶۰) با توجه به اینکه تصمیم‌گیری استراتژیک اغلب توسط عده‌ای از نخبگان اتخاذ می‌شود، از اینرو تصمیم نخبگان به عنوان یکی از عوامل اساسی تغییر فرهنگ استراتژیک محسوب می‌شود. به تعبیر کوپچان، ظهور فرهنگ استراتژیک جدید یا تعدیل فرهنگ استراتژیک کنونی، از تلاش آگاهانه و عقلانی نخبگان برای کنش در مقابل محیط به سرعت در حال تغییر ناشی می‌شود. (۶۱) با توجه به سایر مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک اسرائیل، نخبگان نظامی در یک ساختار خاص سیاسی، تصمیم‌گیرنده اصلی رفتارهای استراتژیک هستند اما دامنه تصمیم‌گیری آنها محدود بوده و

نمی‌توانند سیاستی متفاوت با فرهنگ استراتژیک آن کشور اتخاذ کنند. اسحاق رابین قصد داشت که فراتر از این فرهنگ رفتار کند که با واکنش عده‌ای از مذهب‌یون افراطی از جمله ایگال امیر مواجه و ترور شد. حتی برخلاف سایر کشورها، برخی از رفتارهای استراتژیک اسرائیل توسط عده‌ای در خارج از مرزهای این دولت محدود می‌شود. با توجه به اینکه نیمی از یهودیان در خارج از سرزمینهای اشغالی به سر می‌برند، و آنها از تشکلهای قدرتمندی برخوردارند، باید نظر آنها نیز در برخی حوزه‌ها از جمله بیت‌المقدس در رفتارها و تصمیم‌های استراتژیک اسرائیل لحاظ شود.

به هر حال فرهنگ استراتژیک، رویکرد مناسبی است که می‌توان بسیاری از رفتارهای استراتژیک اسرائیل را توصیف، تبیین و حتی پیش‌بینی کرد و این موضوع برای تمامی بازیگران از جمله جمهوری اسلامی که در منطقه خاورمیانه با اسرائیل مواجه هستند، بسیار حائز اهمیت است.



یادداشت‌ها و منابع:

- ۱- امیرمحمد حاجی‌یوسفی، مفهوم‌سازی‌های مختلف دولت در نظریه روابط بین‌الملل با تأکید بر دیدگاه رابرت کاکس، ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۱۴۶-۱۴۵، مهر و آبان ۱۳۷۸، ص ۱۲۵-۱۱۶.
- ۲- گراهام تی. آلسین، شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۴۴.
- 3- Darryl Howlett, "The Future of Strategic Culture", Prepard For: Defense Threat Reduction Agency advanced System and Concepts Office, United States Government Agency, 31 October 2006. p4. available at: http://www.dtra.mil/documents/asco/publications/Comparative_Strategic_Culture_Curriculum/essay/Howlett%20on%20
- ۴- حمیرا مشیرزاده، سازه‌انگاری به عنوان فرانظریه در روابط بین‌الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵ پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۲۰-۱۱۹.
- ۵- الکساندر ونت، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- 6- Jeffery Lantis, "Strategic Culture: from clauswitz to constractivism", Strategic Insights, volume IV, Issue 10, October 2005, available at: <http://www.cc.nps.navy.mil/2005/lantisocto5.asp-76k>.
- ۷- احمد نقیب‌زاده، نقش عوامل ذهنی در جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۵، ص ۵۶.
- 8- Alastair Iain Johnston, "thinking about Strategic Culture," International Security, Volume.19, No. 4 (apring,1995), p32.
- 9- Jeannie L.johnson, "Strategic Culture: Refining the Theoretical Construct," Prepard for: Defense Threat Reduction Agency Advanced System and Concepts Office, united States Government Agency, Available at: http://www.drta.mil/documents/asco/publications/Comparative_Strategic_Cultures_Curriculum/Course%20Materials/Syllabvs%20Jot.
- ۱۰- محمود عسکری، مقدمه‌ای بر فرهنگ استراتژیک، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، شماره دهم، زمستان ۱۳۸۴، ص ۹.
- ۱۱- همان.
- 12- Georgios Skemperis, "Strategic Culture in Post- war Europe", Maxwell School of

Citizenship and Public Affairs Syracuse University, available at:

<http://www.eliamp.gr/eliamp/files/o5.Dl.pdf>.

۱۳- علی عبدالله خانی، فرهنگ استراتژیک، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶، صص ۱۶۷-۱۶۵.

14- Georgies Skemperis, Ibid.

15- Gregory f. Giles, "Continuity and Change Israel's Strategic Culture", prepared For: Defense Threat Redcution Agency Advanced Systems and conceps Office, United States Government Agency, Avialible at:

[http://www.dtra.mil/documents/asco/publications/comparative_Strategic_Strategic_cultures_curriculum/caes%20studies/israel%20\(Giles\)](http://www.dtra.mil/documents/asco/publications/comparative_Strategic_Strategic_cultures_curriculum/caes%20studies/israel%20(Giles))

۱۶- برای اطلاعات بیشتر در این رابطه به منابع زیر رجوع کنید:

Colin s. Gray, "Strategic Culture as Context: first Generation of Theory Strikes Back", Review of international Studies (1995) p.50.

- "Strategic Culture:a Reliable Tool Of Analysis for EU Security Developmems?" Available at:

<http://www.lse.ac.uk/Depts/intrel/Efpc/papers/Margaras.doc>.

- علی عبدالله خانی، سه نسل گفتمان استراتژیک، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، (شماره پیاپی ۳۶) تابستان ۱۳۸۶، صص ۲۳۸-۳۱۵.

۱۷- علی عبدالله خانی، فرهنگ استراتژیک، صص ۸۰-۷۹.

۱۸- برایان فی، فلسفه امروزین علوم اجتماعی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو، ۱۳۸۴، صص ۱۰.

۱۹- برای اطلاعات بیشتر درباره این دو نوع روش تحقیق رجوع کنید به:

Case- orineted Comparative Methods and the Variable- Oriented Approach in: Charles C. Ragin, "The Comparative Method," univevsity of California press, 1989.pp34-69

20- Georgios Skemperis, "Strategic Culture In post- war Europe", avialible at: <http://www.eliamep.gr/eliamp/files/o5/Dl.pdf>.

۲۱- محمود عسگری، همان، صص ۱۲.

۲۲- عبدالوهاب المسیری، دایره المعارف یهودی، یهودیت و صهیونیسم، ترجمه مؤسسه فرهنگی مطالعات و پژوهشهای تاریخ خاورمیانه، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه، دبیرخانه، ۱۳۸۳، صص ۷۴-۶۹.

۲۳- رضا گندمی، اندیشه قوم برگزیده در یهودیت، فصلنامه هفت آسمان، شماره بیست و ششم، سال هفتم، تابستان ۱۳۸۴، صص ۹۶.

۲۴- عبدالوهاب المسیری، گفتمان صهیونیستی، ترجمه مرتضی حسینی فاضل، قم، زمزم هدایت ۱۳۸۶، صص ۱۷۶.

۲۵- رضا گندمی، همان، ص ۷۱.

۲۶- افرایم اینبار عبارت **The Outer ring** و **Inner ring** را برای دسته‌بندی تهدیدات جغرافیایی اسرائیل به کار گرفته است. رجوع کنید به:

Efraim Inbar, "Israel's National Security", Routledge, 2008, pp103-116.

27- Ibid. pp:39-54.

۲۸- عبدالوهاب المسیری، همان، ص ۲۸۰.

۲۹- مارک هیلر، تداوم و تغییر در سیاست امنیتی اسرائیل، ترجمه سیدجمال حسینی، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۱، ص ۲۶.

۳۰- باری بوزان، مردم، دولتها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸، ص ۵۲.

۳۱- بولتن رویداد و گزارش اسرائیل، حوزه سیاسی- داخلی، شماره ۳-۲۲۲ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۴، مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی - علمی ندا.

32- Efraim Inbar, Ibid, pp55-67.

۳۳- حمیدی قناص الحمیدی، جایگاه تسلیحات هسته‌ای در تفکرات استراتژیک اسرائیل، ترجمه اسماعیل اقبال، تهران: دانشگاه امام حسین، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱، ص ۴۸.

۳۴- همان، ص ۱۱.

۳۵- عبدالوهاب المسیری، همان، ص ۲۱۷.

۳۶- حمیدی قناص الحمیدی، همان، ص ۱۲.

37- Charles D. Freilich, "National Security Decision- making in Israel: processes, pathologies and Strengths", The Middle East Journal, Volume 60.Number 4, Autumn 2006, pp635-639.

۳۸- حمیدی قناص الحمیدی، همان، ص ۱۵.

39- Efraim Inbar, Ibid, pp86.

۴۰- سعیده لطفیان، سیاست امنیت ملی اسرائیل: فرضیه‌ها و تحلیل‌ها، فصلنامه خاورمیانه، سال ششم، شماره یک، بهار ۱۳۷۸، ص ۹۹-۳۷.

۴۱- در این رابطه رجوع کنید به:

جمعیت، نگرانی دایمی اسرائیل، فصلنامه مطالعات فلسطین، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۷۸، ص ۸۳-۵۳.

۴۲- در این رابطه رجوع کنید به :

- گزارش ارزیابی سالانه مؤسسه سیاست‌گذاری برای مردم یهود، بولتن رویداد و گزارش صهیونیسم، شماره ۱۳۸، مورخ ۱۳۸۵/۸/۱۴، مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا.

۴۳- جمعیت، نگرانی دایمی اسرائیل، همان منبع، صص ۶۳-۶۲

44- <http://www.haaretz.com/hasen/spages/937482.html>

- آینده پژوهشی و مؤسسه سیاست‌گذاری برای مردم یهود، بانک داخلی مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا، مورخه ۱۳۸۶/۵/۲۴.

۴۵- روزنامه یدیعوت آحرونوت ۲۰۰۸/۱/۲۱

46- Shlomo Brom, "Is the Begin Doctrine Still a Viable Option for Israel? in: Henry Sokolski, Patrick Clawson, Getting Ready for a Nuclear-Ready Iran, Octobr 2005, p135-136. available at: <http://strategicstudiesinstitute.army.mil>.

47- Ibid.p137-138.

۴۸- اسماعیل اقبال، راهبرد بازدارندگی هسته‌ای اسرائیل در خاورمیانه، فصلنامه خاورمیانه، سال دهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۲، ص ۸۳

۴۹- تیموتی گاردن، چرا کشورها به دنبال سلاح هسته‌ای هستند؟ ترجمه بیژن اسدی، فصلنامه اسرائیل‌شناسی - آمریکا شناسی، سال چهارم، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۰۷.

50- Leon Hader. "Israel As a U.S Strategic Asset,:Myths and Realities."Middle East Policy, winter 2006. pp 91-97.

51- Efrim Inbar, Ibid' P...

52- Ibid.p32.

۵۳- تیسیر الخطیب، بررسی پایه‌های اساسی جنبش صهیونیسم، مجموعه مقالات سمینار روند اشغال فلسطین، به کوشش نجفقلی حبیبی، تهران: دانشگاه طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۴۳.

54- Micael Chertoff, "The Battle For Our Common Future",available at: <http://www.securityaffairs.org/issues/2008/14/chertoff.php>.

55- Ibid

۵۶- سعیده لطفیان، همان، ص ۵۶.

57- Communicating Security (Edited by) udi Lebel, Rotuledge, 2008.p67.

۵۸- ناصر هادیان، ماهیت غیرمدنی دولت اسرائیل، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره یک، بهار ۱۳۷۴، ص ۱۰۶.

۵۹- رضوان حکیم‌زاده، میرموسی عزیززاده طباطبایی، پژوهشی در ساختار آموزشی رژیم صهیونیستی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۳ پاییز ۱۳۸۶، ص ۵۸۹-۵۶۸.

۶۰- پیتر، آر. لاوی، فرهنگ استراتژیک پاکستان: یک چشم‌انداز نظری، ترجمه، عسگر قهرمانپور، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، شماره دهم، زمستان ۱۳۸۴، صص ۱۵۴-۱۴۶.

۶۱- علی عبدالله‌خانی، فرهنگ استراتژیک، همان ص ۱۰۲.